



# معکوس کردن تخریب محیط‌زیست: درس‌هایی از جوامع آفریقایی

ترجمه: مریم معصوم‌تمیمی\*

دریافتند، مداخلات موفق (تغییراتی که به پایدارتر شدن اکوسیستم‌ها منجر شده‌اند) معمولاً چند ویژگی کلیدی دارند.

اول و مهم‌تر از همه اینکه، بین جوامع محلی و حامیان، ترتیبات اجتماعی قوی وجود دارد، این روابط معمولاً توسط نهادهایی، که به‌خوبی کار می‌کنند، حمایت می‌شوند. به‌عنوان مثال، نتایج به‌دست‌آمده در منطقه شینیانگا (Shinyanga) در تانزانیا، که ۹۰ درصد از جمعیت آن برای احیای جنگل مشارکت کردند، بسیار چشمگیر بود. به‌طوری‌که طی ۲۰ سال، ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های این منطقه احیا شد، ضمن اینکه با تأمین منابعی مانند چوب برای مصارف سوختی، معیشت مردم نیز بهبود یافت. عامل مهم دیگر، هم‌سویی انگیزه‌ها و مشوق‌ها با اهداف محیط‌زیستی است. در بورکینافاسو، کشاورزان به‌دلیل دستیابی به فرصتی برای فروش محصولات خود در بازارهای بین‌المللی، اقدام به کاشت درختان بادام هندی کردند. این کار، نه تنها موجب ایجاد یک جریان جدید در درآمدزایی شد، به مقابله با بیابان‌زایی نیز کمک کرد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند، تلاش‌های انجام‌شده برای احیای محیط‌زیست، نیازهای اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی را نیز مورد توجه قرار داده، که بسیار مهم است. جهل گفت: «مشوق‌ها بیشتر جنبه اقتصادی دارند، اما برخی نیز به تأمین دسترسی به زمین یا بهبود ارائه خدمات اکوسیستمی پس از احیای منابع طبیعی مربوط می‌شوند.»

## پشتیبانی از احیا و بازسازی

این پژوهش علاوه بر همبستگی‌های محلی، بر اهمیت حمایت‌های خارجی به‌ویژه در قالب منابع و کمک‌های فنی تأکید می‌کند. در بسیاری از موارد موفق، مانند نیجر و بورکینافاسو، سازمان‌های غیردولتی و دولتی، ابزار، دانش و حمایت‌های مالی لازم را برای اجرای پروژه‌ها فراهم کردند. هرچند این حمایت‌های خارجی بیشتر در مراحل اولیه مداخلات، بسیار حیاتی بودند و خطرات مربوط به اتخاذ شیوه‌های جدید را در زمینه کمبود منابع و تنوع آب‌وهوا کاهش می‌دادند، باید به‌درستی و با دقت مدیریت می‌شدند. در برخی موارد، رویکردهای مدیریتی از بالا به پایین، که به‌طور کامل جوامع محلی را درگیر نمی‌کردند، به موفقیت‌های محدود یا حتی شکست منجر شدند.

به‌عنوان مثال، در Kafue Flats در زامبیا (منطقه وسیعی از باتلاق، تالاب و دشت سیلابی روی رودخانه کافو در استان‌های جنوبی، مرکزی و بخش لوزاکا در زامبیا)، مداخله‌ای با هدف احیای جمعیت حیات وحش انجام شد که در نهایت تا حدی شکست خورد، زیرا ساختارهای حکومتی جدید تحمیل‌شده توسط حامیان خارجی، از سوی جامعه محلی پذیرفته نشدند.

چگونه جوامع مختلف آفریقایی تلاش کرده‌اند تا تخریب محیط‌زیست را معکوس کنند؟

در مناطق روستایی آفریقا، جایی که معیشت و زندگی مردم به‌طور مستقیم به زمین گره خورده است، تخریب محیط‌زیست تهدیدی حیاتی هم برای اکوسیستم‌ها و هم برای رفاه مردم به‌شمار می‌رود. یک پژوهش جدید که توسط پژوهشگران دانشگاه استنفورد و مرکز تحقیقات کشاورزی فرانسه برای توسعه بین‌المللی (CIRAD: French Agricultural Research Centre for International Development) انجام شده است، چگونگی تلاش جوامع مختلف آفریقایی را برای معکوس کردن روند تخریب محیط‌زیست تحلیل می‌کند. نتایج این پژوهش، که در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۴ در Sustainability Science منتشر شد، تأکید می‌کند، همبستگی‌های بلندمدت میان جوامع محلی، دولت‌ها و سازمان‌ها برای بهبود شرایط گذار به توسعه پایدار ضروری است.

از نظر اریک لامبین (Eric Lambin) یکی از نویسندگان این پژوهش و عضو ارشد مؤسسه محیط‌زیست استنفورد وودز (Stanford Woods)، با توجه به تفاوت‌های موجود در محیط‌های مختلف، باید در سیاست‌های محیط‌زیستی از رویکرد «مناسب برای همه» اجتناب و از تجربیات گذشته برای شناسایی شرایطی که منجر به معکوس کردن روند تخریب محیط‌زیست می‌شود، استفاده کرد.

## معکوس کردن تخریب محیط‌زیست

برای چندین دهه، بسیاری از جوامع آفریقایی با چالش دوگانه مقابله با تخریب محیط‌زیست و درعین حال بهبود معیشت و زندگی مردم روبه‌رو بوده‌اند. هرچند، کاهش بازدهی زمین به دلایل مختلفی از جمله کوددهی کم خاک، جنگل‌زدایی یا تغییرات آب‌وهوایی، موجب افزایش فشار بر معیشت و زندگی این جوامع می‌شود، از نظر لامبین و کامیل جهل (Camille Jahel) از CIRAD، در بسیاری از موارد، این وضعیت به‌طور جدایی‌ناپذیری با تاریخ استعمار پیوند خورده است که در آن صاحبان قدرت، حقوق مردم را از منابع طبیعی انکار می‌کردند و بهره‌برداری بیش‌ازحد آنها را از منابع، دلیل کاهش بازدهی زمین می‌دانستند. به‌تازگی، با حمایت دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و نیز سازمان‌های بین‌المللی، تلاش‌های جدیدی برای معکوس کردن روندهای منفی و مخرب انجام شده، البته که نتایج متفاوت بوده است، برخی از ابتکارات، منجر به بهبودهای چشمگیری شده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر کمتر از حد انتظار ظاهر شدند.

پژوهشگران، ۱۷ مورد از ابتکارات مختلف را در معکوس کردن تخریب محیط‌زیست، احیا و بازسازی آن در ۱۳ کشور آفریقایی بررسی کردند و

\* کارشناس ارشد، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران

محیطزیست، امری ممکن و نکته کلیدی آن، ایجاد مداخلات در درازمدت است که باید در قالب همبستگی‌های جوامع محلی و با حمایت‌های قوی حکومتی انجام شود تا نگرانی‌های مرتبط با معیشت مردم را تا حدودی رفع کند.

دبیر تخصصی اخبار علمی تحلیلی: شاید مهم‌ترین رکن برای احیای مناطق تخریب‌شده و نیز حفاظت از آنچه در منابع طبیعی و محیطزیست مانده است، جوامع محلی باشند. آنها بیش از هر کس و گروهی، اهمیت وجودی منابع پیرامون‌شان را می‌دانند و اگر آگاهی‌های بیشتر هم به دانش و دلبستگی آنها افزوده شود، از آنها، بهترین و کارآمدترین عناصر و جوامع حافظ سرزمین ساخته خواهد شد. اگرچه شرط اصلی برای رسیدن به این سیاست به‌روز، فراهم بودن یا فراهم شدن معیشت آنها و وجود حکمرانی معتقد و مقتدر برای کنار گذاشتن منابع طبیعی از سبب تولید و درآمد بدون توجه به اصول توسعه پایدار است.

#### Journal Reference:

Jahel, C. and Lambin, E.F., 2024. Reversing degradation of social-ecological systems: explaining the outcomes of interventions in Africa. Sustainability Science. DOI: 10.1007/s11625-024-01568-5  
<https://www.sciencedaily.com/releases/2024/10/241030145855.htm>

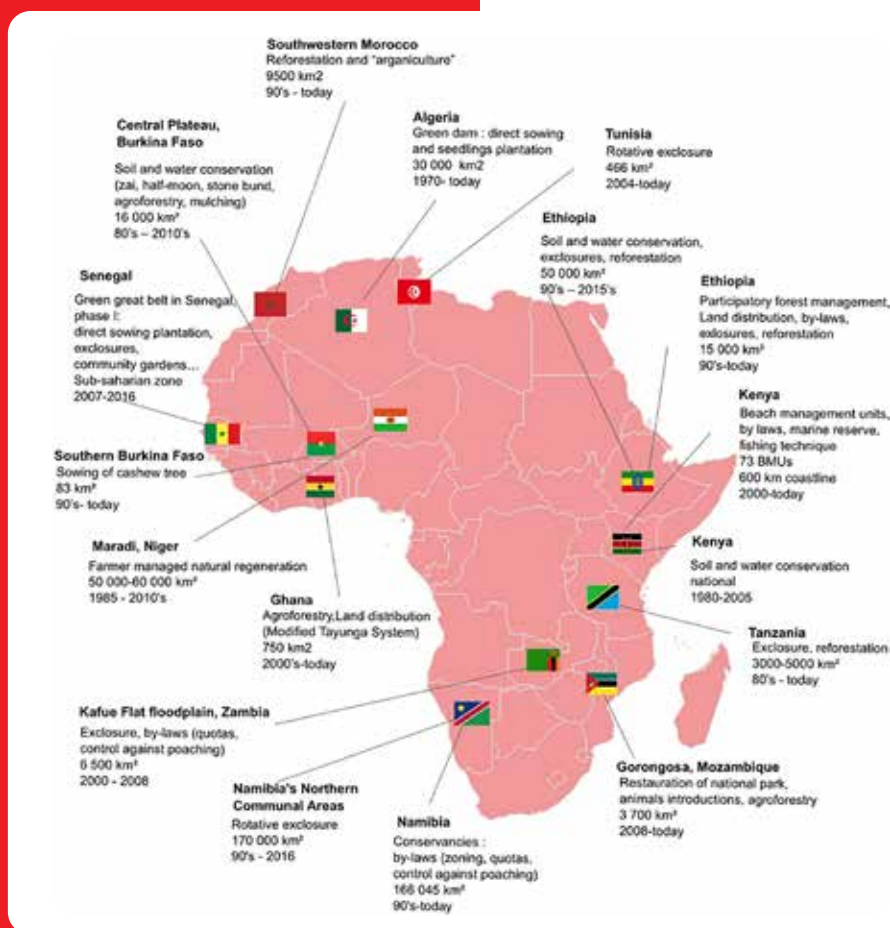
این موضوع نشان‌دهنده اهمیت نیاز حامیان خارجی به همکاری نزدیک با ذی‌نفعان محلی و احترام آنها به سیستم‌های اجتماعی و حکومتی موجود است.

از نظر لامبین و جَهل تداوم در حرکت در درازمدت بسیار ضروری است، چه بسیار مداخلاتی که در ابتدا، نتایج مثبتی به‌دنبال داشتند، اما با اتمام بودجه‌های خارجی یا ازبین‌رفتن علاقه محلی تزلزل یافتند. پژوهشگران با تأکید بر اهمیت ایجاد انعطاف‌پذیری در درازمدت در این پروژه‌ها، بر این باورند که جوامع محلی می‌توانند حتی بدون حمایت‌های خارجی به مدیریت و حفظ پیشرفت‌ها ادامه دهند.

به‌عنوان مثال، برخی از سازمان‌های اجتماعی در نامیبیا، که به‌عنوان حامیان حیات‌وحش فعالیت دارند، با استمرار بر فعالیت و گذشت زمان، هم‌اکنون می‌توانند بدون پشتیبانی‌های خارجی، اعتبار کافی را برای حفظ و ادامه فعالیت‌هایشان تأمین کنند.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش می‌توانند با ارائه درس‌های کلی برگرفته از تجربیات گذشته در آفریقا، فرایند طراحی، مدیریت و نظارت را بر پروژه‌هایی، که هدف اصلی‌شان معکوس‌کردن تخریب محیطزیست است، بهبود بخشند و به اتخاذ شیوه‌های کاربردی برای پایدارتر کردن اکوسیستم‌ها کمک کنند.

از نظر لامبین و همکارانش در این پروژه، معکوس‌کردن روند تخریب



کشورهای مورد مطالعه با ویژگی‌های کلیدی‌شان